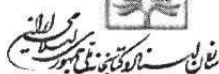

زائر کوچک

فرزانه افراخته

www.ketab.ir



سرشناسه	: افراخته، فرزانه، ۱۳۶۶-
عنوان و نام پدیدآور	: زائر کوچک/ فرزانه افراخته.
مشخصات نشر	: زرتد: نوید دانش دارالفنون، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	: ۹۶ ص.؛ ۱۴/۵ × ۲۱/۵ سم.
شابک	: ۳۵۰۰۰۰ ریل-6-97897-622-978
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: داستان‌های فارسی -- قرن ۱۴
موضوع	: Persian fiction -- 20th century
رده بندی کنگره	: PIR۸۳۳۳
رده بندی دیویی	: ۳/۶۲۸۸
شماره کتابشناسی ملی	: ۷۶۱۰۸۲۷
وضعیت رکورد	: فیبا

عنوان : زائر کوچک / فرزانه افراخته

طراح جلد: فہیمہ پورحسن خانی

نوبت چاپ: بهار ۱۴۰۰

شماره: ۶-۶-۹۷۸۹۷-۶۲۲-۹۷۸

شماره: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۳۵۰۰۰ تومان

زرنند، خیابان فردوس، نشر فردوس، ۲۰، طبقه فوقانی، دارالترجمه الفبا



تلفن تماس: ۰۹۲۲۱۱۸۳۴۹۵-۰۹۱۳۵۱۸۸۷۱۶-۳۳۴۳۹۹۵۶

تمام حقوق این اثر متعلق به نشر نوید- دانش دارالفنون می باشد. و هرگونه استفاده از عناصر صوری و محتوایی آن کلا و جزئا،

به هر زبانی و به هر شکلی بدون اجازه ناشر ممنوع می باشد.

پروردگارا چگونه شکر یکی از هزاران نعمت را به جای آوریم درحالی که اگر هر لحظه با تمام زبان‌های موجود در دنیا از بزرگی و نعمت‌هایی که به ما داده ای سخن بگوییم و بنویسیم، قلم و زبان ناتوان خواهد بود. خداوند چگونه بگوییم از رازی که در قسمت و سرنوشت آدمی نهفته است، وقتی در سرنوشت چیزی باشد که بازهم بودند و یاریت گره‌گشای همه کارها می شود. وقتی که یک انسان هیچ امیدی جز یاریت ندارد و هیچ ذکری جز یاد پروردگار مهربانی‌ها در شب‌های دل‌تنگی و نگاه کردن به آسمان بی‌انتهایت التیام‌بخش روح و جسم آدمی نمی‌باشد و امید به این که همیشه یادت گره‌گشای همه کارها باشد. به حق بزرگیت ما را یک لحظه به خود وا نگذار که بودند مثل نفس کشیدن است. آمین یارب العالمین.

داستان زائر کوچک خاطرات سخت‌ترین روزهای مادری رنجیده را می‌خوانید که جز پروردگار خود هیچ پشت و پناهی را نداشت. زنی که با توکل به خداوند متعال و توسل به امام رضا (ع) فرزندش را دوباره در آغوش می‌گیرد. این خاطرات بر می‌گردد به چندین سال

قبل که دو فرزند دختر داشتم و اما برای بار سوم باردار شدم اما در بارداری سوم مشکلات زیادی برایم به وجود آمد. و من ندانسته مثل همه مادرها در دوران بارداری برای تشکیل پرونده وانجام آزمایشات به پزشک زنان مراجعه کردم و نتایج آزمایش های اولیه همه خوب بودند. اما چند ماه گذشت و پزشک برای بررسی جنین، سونوگرافی آنومالی را تجویز داد. چون در شهر زرنده (یکی از شهرهای استان کرمان)، این نوع سونوگرافی انجام نمی شد ما برای گرفتن سونوگرافی به همراه همسر به کرمان رفتیم تا این کار توسط پزشک متخصص انجام شود.

وقتی که تصمیم گرفتم به پزشک متخصص سونوگرافی مراجعه کنم تپش قلب زیادی داشتم، پر از استرس و نگرانی که دلیل آن را نمی دانستم، اما در این حال پر از امید و آرزو هم بودم، زمانی که برای انجام سونوگرافی وارد اتاق شدم، خانم دکتر با روی باز مشغول بررسی شد اما پس از دقایقی به من گفت: «صدای قلب جنین به خوبی شنیده نمی شود. یا جنین داخل شکم مرده است یا مشکل قلبی دارد.» او از من خواست تا با خوردن مایعات شیرین دوباره نیم ساعت دیگر به اتاق ایشان برگردم. وقتی برای بار دوم به اتاق رفتم باز هم

خانم دکتر گفت: «صدای قلب جنین به خوبی شنیده نمی‌شود و شما باید به متخصص قلب جنین مراجعه کنید تا بررسی بیشتری از قلب جنین انجام شود. چون با اکوکاردیوگرافی بهتر می‌توان مشکلات قلب جنین را تشخیص داد.» من ناامید و غمگین از نظر پزشک جریان را برای همسرم تعریف کردم و خیلی نگران شدیم. همسرم گفت: «فردا آماده باشید، وقتی از سر کار برگشتم به اتفاق خانواده راهی شهر بیرجند شویم.» فردای آن روز همه اهل خانه با توکل و امید به خدا به شهر بیرجند راهی شدیم. خانواده مادری ام ساکن شهر بیرجند بودند، در دلم غوغا بود انگار وزنه‌ی سنگینی را به دوش می‌کشیدم، وقتی به منزل مادرم در شهر بیرجند رسیدیم با بعضی یهان جریان را برای خانواده تعریف کردم، با خانواده ام صحبت در مورد متخصص قلب جنین شد. تصمیم بر این شد به پیشنهاد خواهرم عادلّه برای ادامه کارهای جنین به بیمارستان ولی عصر (عج) نزد آقای دکتر صالحی که پزشکی ماهر و متخصص بود، برویم. وقتی که پزشک معاینات لازم را انجام داد، متوجه مشکل قلب جنین شد و از ما خواستند که صبور باشیم و منتظر به دنیا آمدن بچه بمانیم. چون در اکثر موارد سوراخ‌های بین بطنی بعد از به دنیا آمدن بچه با گریه کردن بسته می‌شود و اگر خدایی نکرده

بسته نشود، متخصصان این کار را با آنژیو انجام می دهند.» آقای دکتر ادامه دادند: «که در حال حاضر علم پزشکی پیشرفت کرده است و راه‌های زیادی برای درمان دارد. دکترها بسیار توانمند شده‌اند و تجهیزات مجهزی برای درمان مشکلات قلبی وجود دارد و در بسیاری از موارد پزشکان با یاری خداوند قادرند این مشکلات را درمان کنند، پس جای نگرانی نیست و به خداوند توکل کنید.» من و همسرم باینکه نگران بودیم با حرف‌های پزشک امیدوار و دلگرم شدیم و بانور سویی از امید به شهر زرنند باز گشتیم. و چند روز بعد که نگرانی همسر و خانواده بیشتر شد و برای اطمینان بیشتر از وضعیت جنین باز راهی شهر یزد شدیم و به سراغ پزشک دیگری در شهر یزد رفتیم. وقت مراجعه ایشان هم همان حرف‌های پزشک قبل را می زدند و گفتند: «شما امیدوار باشید و نگران آینده نباشید. هرچه قسمت این بچه باشد اتفاق می افتد و هیچ کس قادر نخواهد بود آن را تغییر دهد. مگر این که خواسته باشید این جنین را سقط کنید. از طرفی چون روح در بدن بچه آمده، از لحاظ دین و شرع سقط جنین درست نبود، اما باز هم با تشخیص پزشک و اجازه دادگاه می‌توان این کار را انجام داد تا در آینده نه خود بچه و نه خانواده او به خاطر مرضی بچه اذیت شوند.»